



قسمت هفدهم

«باب الله» ذکر شده که از آنجمله در بند ۷۵ از دعای جوشن کبیر چنین آمده است: «یا من یابہ مفتوح للطالین، یا من سیله واضح للمنین». ای کسی که در او به روی طالبین باز و راهش برای توبه کنندگان روشن است.

### توجهات قلبی

در شرح این جمله از دعای جوشن کبیر، فیلسوف اسلامی مرحوم حاج ملاهادی سبزواری در شرح اسماء صفحه ۲۴۵ سخنی دارند که ترجمه اش این است: چون بین خداوند و بندگان، سد و مانعی وجودی نیست و تنها مانع، طلب نکردن و عزم صحیحی که انسان را آماده و جالاک بر پیمودن راه عبودیت نداشتن است و این هر دو (یعنی طلب نکردن و عازم سلوک راه حق نبودن) امر عدمی هستند، پس آنچه لازم است طلب و انابه است و این است «در» و این است «راه» که بعد از حق در و راهی نزدیک تر از این دو نیست که این دره در دل و قلب و این راه، نفسی ناطقه انسانی است.

چنانچه از این قسمت از کلام حاجی سبزواری بدست می آید، دری که از آن در می توان به حریم قدس الهی راه پیدا کرد، قلب و توجهات قلبی و در سر ضمیر درک نیاز خود و بدنیال آن روی دل بسوی بی نیاز کردن و در اثر آن انابه و بازگشت بسوی او نمودن و با عرض حاجت بدرگاه او و با اطاعت و سلوک راه عبودیت، استعداد و لیاقت نیل به فیوضات و الطاف بیشتر خداوندی تحصیل کردن است.

بنابراین باید گفت: که «باب الله هدان قلب و توجهات قلبی است که حاجی سبزواری فرموده: «فان الیاب یاب القلب» و نیز باید گفت که: **اولاً** شود همین توجهات قلبی نیز از عنایات خداوند است که بقول ملای روی:

هم دعا از تو اجابت هم ز تو

ای منی از تو هاست هم ز تو  
**ثانیاً** می توان گفت که هر توجهی به خداوند و هر میل و گرایش بسوی خیرات چه در رابطه با عبادت خدا و چه در رابطه با دوستی و خیر رساندن به خلق خدا به هر صورتی دری است که از ناحیه خداوند به روی بنده اش باز شده که شاید این معنی را تأیید کند فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام که می فرماید: «ان للجنة باباً یقال له باب المجاهدین». به تحقیق که برای بهشت دری است که نامش در مجاهدین است.

**ثالثاً** می توان گفت که هر قلب و هر دلی که از ناحیه ای به خیر یا خیرانی توجه کند از همان ناحیه به خدا راه دارد و از همان سو در خداوند به روی او باز است.

**رابعاً** باید دانست که در خانه خدا به روی کسی بسته است که در غفلت به سر می برد و به معبود توجه ندارد چنانچه در همین دعا در قسمت های قبلی هست: «وانک لا تحب عن خلقک الا ان تحبهم الاعمال دونک». و تو از نظر بصیرت خلق در پرده نیستی جز آنکه اعمال یا اعمال، آنها را محبوب کند.

### ذکر یک نکته

چون رشته صحبت به ذکر «باب الله» کشیده شد، از این نکته نباید غفلت

# باب الله

# چیست؟

آیت الله ابزدی نجف آبادی

«سیدی لعلک عن بابک طردنی وعن خدمتک نخبتی...»  
 در خاتمه قسمت قبل گوشزد شد مطالبی در رابطه به چند جمله قبل (که از آنها تقریباً مسئله کسالت در عبادت و تأثیر گناه بر قلب و عمل آن گفته شد) هست که اینک به بعضی از آنها می پردازیم:

### اولاً- باب الله چیست و کجا است؟

چنانچه ملاحظه می شود در این جمله از دعا که اکنون مورد نظر است، یکی از اسباب کسالت در عبادت و رمیدگی دل از خدمت معبود رانده شدن از درگاه او به حساب آمده است.

با در نظر گرفتن اینکه خداوند مانند انسان یا غیر آن نیست که خانه یا جایگاهی بنام کاخ یا قصر که در داشته دارا باشد، باید دید مقصود از در خانه خدا چیست؟ از قضا در جاهای دیگر از دعاها و سخنان پیشوایان دینی

## سماء علیا و عالم بالا

در سوره ذاریات آیه ۲۲ می فرماید: «وفی السماء رزقکم و ما ننزلونکم» - روزی شما و آنچه وعده داده می شوید (بهشت یا بهشت و دوزخ) در آسمان است.

با در نظر گرفتن آیه ۱۳۳ سوره آل عمران که می فرماید: «وسارعوا الی مغفرة من ربکم و جنبه عرشها السموات والأرض...» - بشتابید به بهستی که پهنای آن باندازه زمین و تمام آسمانها است! چنین بر می آید آسمانی که بر طبق آیه ذاریات بهشت در آن است همین عالم جسمانی است، محل ستارگان و سایر اجرام غلوی. چنانچه گذشت. آسمان دنیا است بلکه عالم برتر از عالم جسم و جسمانیات است و نتیجه بگیریم که: آسمان هم که رزق در آنجا است آن هم عالم بالای جسم نیست چنانچه بعضی از مفسرین بنظرشان آمده که چون باران و ابر و خورشید و سایر اجرام سماوی که اسباب رزق هستند در عالم جسمانی بالا قرار دارند پس رزق شما در آسمان است.

و از بیان گذشته و نیز با در نظر گرفتن آیه ۴۰ از سوره اعراف که می فرماید: «ان الذین کذبوا باياتنا واستکبروا عنها لا تفتح لهم ابواب السماء ولا یدخلون الجنة حتی یبلغ الجمل فی سم الخیاط» - آنها که آیات ما را تکذیب کردند و در برابر آنها تکبر ورزیدند، آنها برایشان درهای آسمان گشوده نمی شود و هیچ گاه وارد بهشت نمی شوند مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن خیطی بگذرد (یعنی به هیچ وجه امکان ندارد)؛ ممکن است گفته شود که آسمان علیا و بالا، مراتب قرب معنوی به خداوند باشد و این معنی تایید می شود به آیه ۹ از سوره فاطر که می فرماید: «الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه» - سخنان پاکیزه بسوی او بالا می روند و عمل صالح را ترفیع می دهند (یا عمل صالح، کلام طیب را بالا می برد).

و همچنین این تعبیر گرفته می شود که درهای بهشت که در آسمان است. که بنا به آیه سوره اعراف بسوی تکذیب کنندگان باز نمی شوند. همان ابواب الله که توجهات و گرایشهای به غیرات و عبادات و در حقیقت راهها و درهانی است که حضرت معبود به دلها گشوده است.

دو خاتمه چون در این قسمت که ابواب الله و درهای بهشت و نیز درهای آسمان صحبت شد بی تناسب نیست که سبیل الله و سبیل الله نیز بیان شود که بقایا دیگر واگذار می گردد.

ادامه دارد

کرد که بر حسب روایات، باب الله الاعظم، امام مفترض الطاعة است چنانچه در اصول کافی در «کتاب الحجة» در باب «ان الاله علیهم السلام هم خلفاء الله فی ارضه و ابوابه الی منها یؤتی» - روایت از ابی بصیر نقل شده که گفت: «قال ابو عبد الله علیه السلام: الاوصیاء هم ابواب الله عزوجل الی یؤتی منها...» - اوصیاء پیامبر آنها هستند درهای الهی که از ناحیه آنها بسوی خدا باید رفت. حال تحقیق این که باب الله بودن امام یعنی چه؟ فعلاً مجال بحث آن نیست.

## درهای آسمان و درهای بهشت

به مناسبت باب الله بد نیست که سری به درهای آسمان زده و رونی به درهای بهشت آورده چند جمله به رشته تحریر در آوریم با اینکه توجه این بنده هست که بضاعت علمی که بتوانم این مطلب را تا آن تمام ادا کنم ندارم و تقریباً وارد شدن در بحث را برای خود نوعی جسارت یا به تعبیر دیگر خود بلند پروازی بسوی آسمان می بینم ولی آنچه در حال حاضر به ذهن خطور می کند بطور اشاره ذکر می کنم، باشد که انشاء الله از سرمایه های علمی ارباب معرفت در آینده استفاده بیشتری ببریم.

جای تردید نیست که در قرآن شریف کلمه سما (آسمان دنیا) به جهت فوقی سرما در عالم جسمانی اطلاق شده است مثلاً در سوره قمر، آیه ۱۱ - در رابطه با طوفان نوح - می فرماید: «فتفتحنا ابواب السماء بما فی فتنهم» که برای بیان شدت باران تشبیهی شده می فرماید: ما باز کردیم درهای آسمان را به آب ریزان. و در آیه ۶، سوره «ق» می فرماید: «انظروا الی السماء فوقهم کیف بنیناها و زیناها» - آیا به آسمان بالای سر نظاره نمی کنند که چگونه آن را ساخته و زینا قرار داده ایم.

و از آیه ۵، سوره ملک که می فرماید: «ولقد زینا السماء الدنيا بمصابیح» - ما زینت دادیم آسمان پائین و نزدیک را به چراغهایی و همچنین آیه ۶ سوره والصفات که می فرماید: «انا زینا السماء الدنيا بزینة الکواکب» - به تحقیق که ما آسمان پائین و نزدیک را به زینت ستارگان مزین نمودیم. از این آیات چنین بر می آید که: اولاً، مصباح ها و چراغها که زینت بخش آسمانها است، همین ستاره ها هستند و ثانیاً، تمام عالم بالا که ستارگان و کهکشانها و اجرام سماوی را در بر دارد سما و آسمان دنیا و پائین است و روی این حساب سما علیا و آسمان بالا (چنین بنظر میرسد) از عالم معنویات و غیر جسم و جسمانیات است. این آیات گوشزد می کند که آسمان علیا و بالا نری نیز هست.

## بقیه از نور پرفروغ

نمی تواند جز اعتراف به اینکه این شخصیت، یک مجموعه فلسفی قائم بذات خویش است که با حرکت و حیویت، مزین شده و دارای خردی است ابداع آور که دانش ها را استیاط و اندیشه ها را ابتکار و نظمها و قوانین را ایجاد نموده است».

پس ما شیعیان و پیروان مکتب امام صادق سلام الله علیه باید دل خوش داریم که دست بدانان

مقدس چنین آفتاب تابناکی زده ایم که مسلمانان و غیر مسلمانان، خاصه و عامه در برابر شکوه و عظمتش، نهایت کرنش و تواضع را دارند و ما باید خدای را هر صبح ز شام شکر و ثنا گوئیم که ما را اگر از پیروان نباشیم. از محبتان و ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت قرار داد و امید داریم که در روز رستاخیز، همان روز که هر گروهی را با امامشان محشور می کند، ما گنجهکاران را که افتخار انتساب به جعفرین محمد علیه السلام داریم با آن حضرت

محشور نماید. به امید استجابات.

۱. سوره فاطر، آیه ۳۲.
۲. تاریخ یعقوبی، ج ۳، ص ۱۷۷.
۳. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۰۲.
۴. جامع اسالیب ابن خلدون، ج ۱، ص ۲۲۲ و تذکره الحفاظ ذهی، ج ۱، ص ۱۵۷.
۵. رسائل الخافظ سننوی، ص ۱۱۶.
۶. نطفة النبی عشریه، ص ۸.
۷. تهذیب التهلویه، ج ۲، ص ۱۰۴.
۸. پیشگفتار کتاب «الهیة والایة» ص ۱۵.